توسعه سیاسی در کتابهای علوم اجتماعی: تحلیل محتوای کتابهای علوم اجتماعی در دوره متوسطه

دکتر مصطفی ابطحی *

غلامرضا محمدی‌مهر **

چکیده

در پژوهش حاضر، به بررسی مؤلفه‌های توسعه سیاسی در کتابهای علوم اجتماعی دوره راهنمایی و متوسطه پرداخته شده است. روش تحقیق از نوع تحلیل محتوا و جامعه آماری آن، تمام کتابهای علوم اجتماعی است که در سال تحصیلی ۹۴-۱۳۹۳ چاپ شده است. مهم‌ترین شاخصهای مورد بررسی شامل تعقل، علم‌گرایی، قانون‌گرایی، کارجمعی، مشورت و شورا، شایسته‌سالاری، آینده‌نگری و برنامه‌ریزی، تساهل، دعوت به گفتگو، مسئولیت‌پذیری، تفاهم جمعی و برابری است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که در کتابهای مذکور مؤلفه‌های تعقل (۵۴/۲ درصد) و علم‌گرایی (۳۲درصد)، به طور مستقیم و غیرمستقیم، بیش از شاخصهای دیگر مطرح و آموزش داده شده‌اند. بخش دیگری از یافته‌های پژوهش گویای این است که دعوت به تعقل و علم‌گرایی، به طور مستقیم، از کتاب مطالعات اجتماعی پایه هفتم تا کتاب علوم اجتماعی پیش‌دانشگاهی کاهش یافته است. در حالی که به کارگیری فرآیند عقلی و علمی در آموزش دروس، سیر صعودی نشان می‌دهد. کار جمعی در ۱۱/۶ درصد مطالب، قانون‌گرایی در ۱۱/۳درصد و مسئولیت‌پذیری در ۸/۷ درصد مطالب ارائه شده‌است. این در حالی است که توجه به سایر شاخصها ناچیز است و با اهداف مورد نظر در تدوین کتابهای علوم اجتماعی، همخوانی ندارد. با توجه به اینکه آموزش مؤلفه‌های پیش‌گفته می‌تواند زمینه ای مناسب برای توسعه سیاسی فراهم آورد، گنجاندن آن در کتابهای درسی علوم اجتماعی ضرورت تام دارد.

کلیدواژگان: توسعه سیاسی، شاخصهای توسعه سیاسی، کتابهای علوم اجتماعی، تعقل، علم‌گرایی

تاریخ دریافت: ۹۴/۷/۱ تاریخ پذیرش: ۹۵/۹/۲۹

* دانشیار علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران m-abtahi@srbiau.ac.ir

** دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه آزاداسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران(نویسنده مسئول) r43mehr@yahoo.com

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1396.33.3.4.1]

بیان مسئله

توسعه سیاسی، فرآیندی قائم به ذات نیست و در خلاء شکل نمی‌گیرد. تجارب تاریخی گواه بر آن است که تا زمینه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مساعد نباشد، دستیابی به توسعه‌یافتگی و بلوغ سیاسی امکان‌پذیر نیست. اگرچه ملل موسوم به توسعه یافته، فرآیند توسعه را به صورت منسجم و در همهٔ عرصه‌های زندگی تجربه کرده‌اند، دربارهٔ تقدم و تأخر ابعاد اقتصادی، سیاسی و فرهنگی آن در جوامع توسعه نیافته، اتفاق نظر وجود ندارد. با این حال نمی‌توان اهمیت حوزه‌های اجتماعی، فرهنگی و فکری جامعه را نادیده گرفت. در واقع، توسعه سیاسی بدون مشارکت سیاسی و مدنی امکان‌پذیر نیست و مشارکت مردمی نیز مستلزم آگاهی شهروندان از مسائلی چون وظایف، تکالیف و مسئولیتهای آنان در قبال امور سیاسی و اجتماعی و تبعات و نتایج مشارکت یا عدم مشارکت آنان در این‌گونه امور است (فتحی واجارگاه، ۱۳۸۱) و شاخصهایی همچون عقلانیت، عدالت، مساوات، جمع‌گرایی و مسئولیت اجتماعی به عنوان بستر توسعه سیاسی قلمداد شده است(تاجیک اسمعیلی، ۱۳۸۹).

به بیان دیگر، شاخصها و متغیرهای تأثیرگذار در توسعه سیاسی و مشارکت آگاهانه و داوطلبانه مردم، بیش از هر چیز، جنبه فرهنگی و اجتماعی دارند و پارسونز[1] از آنها به عنوان ارزشهای فرهنگی نام می‌برد (نوابخش، ۱۳۸۵)؛ ارزشهایی همچون عقلانیت، عدالت، مساوات، جمع‌گرایی و مسئولیت‌اجتماعی. در بسیاری از متون نیز از این شاخصها، با عنوان مؤلفه‌های شهروندی یاد می‌شود (بهشتی، ۱۳۸۶؛ طالب‌زاده و همکاران، ۱۳۹۱). اگرچه صاحب‌نظران و اندیشمندان سیاسی و اجتماعی شاخصهای کاملاً یکسانی را در این زمینه ذکر نکرده‌اند، ولی اغلب به اصول عام و زمینه‌های مشترکی اشاره داشته‌اند. سریع‌القلم (۱۳۷۲) دوازده اصل را برمی‌شمارد که مهم‌ترین آنها فردگرایی مثبت، برنامه‌ریزی و آموزش، منطق کار جمعی، تفکر متاع عمومی، قانون‌پذیری و شایسته سالاری است. امین‌زاده (۱۳۷۶)، بیش از هر عاملی، بر تفاهم تأکید می‌کند و اعتقاد دارد که تحولات اقتصادی در یک کشور در حال توسعه، نیازمند تفاهمی گسترده و عمیق میان نخبگان جامعه در درجه اول و دولت و مردم در درجه بعد است.

فرقانی (۱۳۸۲) تفکر و اندیشه انتقادی را مهم می‌شمارد و در این باره می‌نویسد: «اندیشه، نهادی ناآرام و بی‌قرار دارد، یقین نمی‌پذیرد و در جایی متوقف نمی‌شود. شک و انتقاد رمز پیشرفت است و همواره می‌توان پرسید؛ همینطور برای تفکر منطقهٔ ممنوع وجود ندارد و به هر جا سرک

1. Parsons

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1396.33.3.4.1]

می‌کشد. به عبارت دیگر، حل مسائل زندگی نیازمند تعقل جدی و جمعی است». وی در کتاب خود با عنوان "راه دراز گذار"، بیش از بیست اصل را به منزلهٔ مفاهیم و شاخصهای مرتبط با توسعه سیاسی برمی‌شمارد. قانون و قانون‌گرایی، تساهل، حقوق فردی، ترویج علم و دانش، تعلیم و تربیت، خردورزی، عقل باوری و حقوق شهروندی مهم‌ترین این اصول هستند. عضدانلو (۱۳۸۵) در نوشتار دیگری باعنوان "موانع توسعه عقلی و آثار آن بر توسعه اقتصادی و سیاسی"، بر اندیشه جمعی، دیالوگ و اندیشه انتقادی تأکید کرده است. او پس از تعریف توسعه به منزلهٔ دگرگونی عمدی می‌نویسد: در این‌گونه تغییر، نه طبیعت، بلکه انسان مسئول است. ابزاری که انسان برای چنین تغییری در اختیار دارد، همان اندیشه یا خرد است. اندیشه انسان، مسلح به ابزاری است به نام کلام یا زبان که از طریق کاربرد آن، انسانها می‌توانند اندیشه‌های خود را با یکدیگر به اشتراک بگذارند و به نوعی اندیشه جمعی دست یابند و آن را برای بهبود زندگی اجتماعی خود به کار گیرند. توحیدفام (۱۳۸۲) نیز نبود انسجام درونی را مهم‌ترین مانع توسعه سیاسی برمی‌شمارد و حل آن را مستلزم اصلاحات پایه‌ای می‌داند. مبارزه با تخیل‌گرایی و برداشتهای غیرعلمی، ترغیب جوامع انسانی به طرح پرسش و ارائه راههای منطقی برای حل مشکلات، تحمل رویارویی با آرای مختلف و مبارزه با تفکر شخصی و سلیقه‌ای از جمله این اصلاحات‌اند. برخی از نویسندگان همچون معمارزاده و پاک‌طینت (۱۳۸۵) از شاخصهایی چون برابری، ثبات، مشروعیت، مشارکت، عدالت و غیره به عنوان اهداف توسعه سیاسی نام برده‌اند.

بیان شاخصهای پیش‌گفته محدود به محافل علمی نیست و می‌توان آن را به صراحت در اسناد بالادستی جمهوری اسلامی ایران نیز ملاحظه کرد. مثلاً، در بخشهایی از سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی که رهبر معظم انقلاب در آبان‌ماه ۱۳۸۲ به سران قوای سه‌گانه ابلاغ کردند، جامعه ایرانی دارای ویژگیهای زیر است:

فعال، مسئولیت‌پذیر، ایثارگر، مؤمن، رضایتمند، برخوردار از وجدان کاری، دارای انضباط، روحیه تعاون و سازگاری اجتماعی، ... پویایی فکری و اجتماعی و... دارای تعامل سازنده و مؤثر با جهان ... (سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴، ۱۳۸۲).

همچنین در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (۱۳۹۰)، چند اصل مرتبط با مضامین توسعه سیاسی مندرج است. این اصول در فصل اول آن شامل موارد زیر است:

- پرورش، ارتقا و تعمیق انواع و مراتب عقلانیت در همه ساحتهای تعلیم و تربیت

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1396.33.3.4.1]

- مسئولیت‌پذیری همه جانبه، مشارکت اجتماعی و داشتن روحیه جمعی و مهارت مورد نیاز جامعه
- روحیه کارآفرینی، کسب شایستگیهای عام حرفه‌ای و مهارتی (سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، ۱۳۹۰)

در فصل سوم این سند آمده است که مدرسه دارای ویژگیهای تکلیف‌گرایی، مسئولیت‌پذیری ... کارآفرینی، وقت‌شناسی، نظم، ... قانون‌گرایی، نقادی و نوآوری است (پیشین).

در فصل چهارم نیز تربیت انسانی موحد، عاقل، عدالت‌خواه، قانون–مدار و نظم‌پذیر، به عنوان هدفهای کلان برشمرده شده اند. همچنین تقویت روحیه علمی در رعایت حقوق و مسئولیتهای اجتماعی، در همین فصل به چشم می‌خورد. در فصل پنجم هم ارتقای جایگاه علم و علم‌آموزی به عنوان عامل مؤثر در دستیابی به حیات طیبه با تأکید بر حیثیت کاشفیت و مطلوبیت علم، مورد تأکید است (سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، ۱۳۹۰).

در مجموع و با توجه به مطالب گفته شده، مهم‌ترین شاخصهای فرهنگی ـ اجتماعی توسعه سیاسی از نظر اندیشمندان را می‌توان شامل این موارد دانست: تفکر و اندیشه انتقادی، قانون‌مداری، تساهل و مدارا، شایسته‌سالاری، اجماع و وفاق اجتماعی، مشورت کردن، کار جمعی، مسئولیت‌پذیری و آینده‌نگری.

بی‌تردید، تحقق پذیری این مؤلفه‌ها تجویزی نیست و یک شبه هم به انجام نمی‌رسد و با توجه به ماهیت امور فرهنگی، نیاز به برنامه‌ریزی آموزشی، آن هم از آغاز کودکی و نوجوانی دارد. در این میان آموزش و پرورش، به عنوان نهاد رسمی آموزشی در انتقال شاخصها و مؤلفه‌های مذکور نقشی بسزا دارد. نظام آموزشی و مدرسه مناسب‌ترین ابزار ارائه آگاهی و مؤلفه‌هایی هستند که پیش‌زمینه توسعه سیاسی محسوب می‌شوند. نظام آموزشی و کتابهای درسی فرصتهایی را برای فراگیری فراهم می‌آورند تا کودکان و نوجوانان بتوانند ارزشها و باورهای گوناگون را در این زمینه بپذیرند و بتوانند از نقش خود آگاهی یابند و مشارکتی فعال در مصالح ملی داشته باشند. از میان کتابهای درسی که کانال و مجرای انتقال مؤلفه‌های فرهنگی محسوب می‌شوند، کتابهای علوم اجتماعی می‌توانند پایه شناخت مفاهیمی همچون قانون‌گرایی، آزادی، همکاری و مشارکت و برابری فرصتها را فراهم سازند (شرفی و طاهرپور، ۱۳۸۷)؛ هرچند میزان نقش کتابهای درسی در ارائه شاخصهای مذکور، نیاز به پژوهش دارد.

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1396.33.3.4.1]

بررسیهای به عمل آمده نشان می‌دهند که تاکنون پژوهشی با موضوع نوشته حاضر انجام نشده و تحقیقات انجام شده تنها به طور غیرمستقیم به موضوع نوشتار حاضر نزدیک است. برای مثال افهمی (۱۳۸۴) در پژوهش خود نشان می‌دهد که در کتابهای درسی دوره ابتدایی، از تعداد ۱۹۳ درس سیاسی، در ۱۹ درس، یعنی ۹/۸درصد صرفاً به ارائه اطلاعات یا دانش سیاسی پرداخته شده است. در ۳۶/۳ درصد مقوله‌های دانش، نگرش و رفتار سیاسی و در ۳۸/۳ درصد دانشهای سیاسی به همراه نگرش آموزش داده شده‌اند.

در پژوهش طالب‌زاده و همکاران نیز پرورش مهارتهای شهروندی در کتابهای درسی علوم اجتماعی دوره متوسطه بررسی شده و براساس نتایج آن، از مجموع ۳۱۹۴ واحد، تنها ۹۹ واحد به مهارت ویژه شهروندی اختصاص داشته است. بیشترین میزان توجه (۳۱ واحد) به شاخص خودآگاهی اختصاص یافته و شاخصهای دیگری همچون توانایی انتخاب و تصمیم‌گیری، حل مسئله، مسئولیت‌پذیری، ارزیابی نقادانه مسائل و توانایی گفتگو چندان مورد توجه قرار نگرفته‌اند (طالب‌زاده و همکاران، ۱۳۹۱).

پژوهش غفاری و همکاران در زمینهٔ مؤلفه‌های شهروندی نیز تقریباً نتایج مشابهی داشته است و نشان می‌دهد که در کتابهای دوره راهنمایی، مؤلفه عدالت و برابری چندان مورد توجه نبوده است (غفاری و همکاران، ۱۳۹۲).

نتایج پژوهش فرنیا و پوررضا (۱۳۸۸) نیز نشان می‌دهد که محتوا و مفاهیم موجود در کتابهای اجتماعی، نمی‌تواند به پرورش تفکر خلاق و انتقادی بین شاگردان بپردازد.

در پژوهش دیگری که با روشهای کمی و کیفی به انجام رسیده است، پژوهشگران به این نتیجه رسیده‌اند که پرورش تفکر انتقادی در دوره متوسطه با موانعی همچون کم‌توجهی به مهارت تجزیه و تحلیل، مهارت ترکیب، ارزشیابی، قضاوت و جمع‌بندی روبه‌روست. نظریه زمینه‌ای منتج از پژوهش مذکور گویای این است که مقولات شرایطی شامل سیاستها و رسالتهای نظام آموزش و شرایط اجتماعی و فرهنگ جامعه و مقولات فرآیندی شامل معلم، محتوا و اهداف و روش تدوین و مقولات پیامدی شامل تربیت شهروند خوب و تربیت متخصص خوب در این زمینه تأثیرگذار بوده‌اند (علیپور و همکاران، ۱۳۸۸).

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، برخی از شاخصهای توسعه سیاسی، در کتابهای درسی بررسی شده‌اند، ولی هیچ کدام از پژوهشها، به طور منسجم و مستقل به این موضوع نپرداخته‌اند. لذا این پژوهش با هدف شناسایی میزان توجه به شاخصهای فرهنگی توسعه سیاسی در کتابهای علوم

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1396.33.3.4.1]

اجتماعی انجام شده است. براین اساس پرسش اصلی پژوهش این است که در کتابهای علوم اجتماعی دوره راهنمایی و متوسطه، تا چه حد زمینه‌های فرهنگی ـاجتماعی توسعه سیاسی، مورد توجه بوده است؟ پرسشهای فرعی پژوهش نیز عبارت‌اند از:

- در کتابهای علوم اجتماعی دوره متوسطه، بیشتر چه موضوعاتی مطرح و آموزش داده شده‌اند؟
- در کتابهای علوم اجتماعی دوره متوسطه، تا چه حد شاخصهای توسعه سیاسی ارائه شده‌اند؟
- آیا در کتابهای علوم اجتماعی پایه‌های مختلف، شاخصهای توسعه سیاسی، به یکسان ارائه شده‌اند؟

روش پژوهش

در این پژوهش از روش تحلیل محتوا استفاده شده است. تحلیل محتوا روشی است که با بهره‌گیری از آن، به بررسی محتوای هر نوع فرآورده و پیام ارتباطی پرداخته می‌شود. ویمر و دومینیک[1] (۱۳۸۴) در تعریف تحلیل محتوا می‌گویند: «تحلیل محتوا روشی برای مطالعه و تحلیل ارتباطات به شیوه‌ای نظام‌مند، عینی و کمّی با هدف اندازه‌گیری متغیرهاست». در این پژوهش، کتابهای علوم اجتماعی که در فرآیندی ارتباطی، محتوا و پیامی را به مخاطبان خاص خود انتقال می‌دهند، مورد بررسی قرار گرفته اند. باردن[2] (۱۳۷۵) نیز یکی از کاربردهای تحلیل محتوا را برداشتن نقاب از محورها و افکار جهت‌دهنده کتب درسی معرفی کرده است. هر یک از دروس یا مطالبی که موضوع مجزایی دارند نیز به عنوان واحد تحلیل در نظر گرفته شده‌اند.

روش گردآوری و پردازش اطلاعات: گردآوری اطلاعات (کدگذاری) در روش تحلیل محتوا، با استفاده از دستورالعمل کدگذاری، محتوای مورد بررسی و واحد ثبت صورت می‌گیرد. دستورالعمل کدگذاری شامل تمام متغیرها و مقوله‌هایی است که از پیشینه و مبانی نظری پژوهش استخراج شده و با اعداد و ارقام (کد) مشخص گردیده‌اند. در کدگذاری، هر یک از دروس کتابهای علوم اجتماعی که واحد ثبت این پژوهش است، خوانده شده و کد مرتبط با آن در دستورالعمل کدگذاری شناسایی گردیده و در برگه کدگذاری قرار گرفته است. پس از اتمام کدگذاری، اطلاعات به دست آمده وارد رایانه شده و با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS پردازش شده است. حاصل پردازش اطلاعات، جداول توزیع فراوانی است که در قسمت یافته‌های پژوهش آورده شده است.

1. Wimmer & Dominik
2. Bardin

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1396.33.3.4.1]

روایی و پایایی: در روش تحلیل محتوا، معمولاً از روایی صوری استفاده می‌شود که مراجعه به نظر کارشناسان، شیوه اصلی آن است. براین اساس مقوله‌های پژوهش از سوی چهار نفر از پژوهشگران و دانشجویان مقطع دکتری مورد بررسی و تأیید قرار گرفتند.

پایایی پژوهش نیز با استفاده از ضریب اسکات به دست آمد. از ضریب اسکات در تعیین قابلیت اعتماد و در واقع میزان عینیت در گردآوری اطلاعات استفاده می‌شود (بدیعی، ۱۳۷۵). حداقل ضریب قابلیت اعتماد باید رقم ۰/۷۰ باشد. در این پژوهش رقم حاصل از محاسبه با فرمول اسکات، رقم ۰/۸۹ است که گردآوری اطلاعات این تحقیق را قابل اعتماد می‌سازد.

جامعه آماری و حجم نمونه: جامعه آماری این پژوهش، تمام کتابهای علوم اجتماعی مقطع راهنمایی و دبیرستان است که وزارت آموزش و پرورش در سال تحصیلی ۹۴-۱۳۹۳ به چاپ رسانده است. این کتابها عبارت‌اند از: ۱. مطالعات اجتماعی پایه هفتم، ۲. مطالعات اجتماعی پایه هشتم، ۳. مطالعات اجتماعی پایه اول نظری، ۴. جامعه‌شناسی ۱ (سال دوم نظری)، ۵. جامعه‌شناسی ۲ (سال سوم)، ۶. علوم اجتماعی (پیش‌دانشگاهی).

حجم نمونه پژوهش، برابر با جامعه آماری است؛ یعنی در واقع نمونه‌گیری به عمل نیامده است. پس از کدگذاری مطالب حجم نمونه بالغ بر ۱۷۲ درس و مطلب درسی بوده است.

یافته‌های پژوهش

موضوع کلی دروس و مطالب

در کتابهای مورد بررسی، هر یک از درسها، براساس عنوان و همچنین براساس متن، به موضوعی اختصاص دارد. جدول شماره ۱، این موضوعات را نشان می‌دهد. یافته‌ها نشان داده اند که ۱۲/۸درصد موضوعات به نظام اجتماعی و آسیبهای آن، ۱۲/۲درصد به موضوع ایران‌شناسی، ۱۰/۵درصد به موضوع فرهنگ، هویت و مسائل فرهنگی، ۸/۲ درصد به موضوع غرب و مسائل فلسفی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی آن و ۷/۶درصد به مسائل سیاسی اختصاص یافته است. به این ترتیب تقریباً در یک چهارم کتابهای مورد بررسی، به بحث درباره مسائل اجتماعی و فرهنگی پرداخته شده است. فراوانی و درصد سایر موضوعات در جدول شماره ۲ مندرج است.

جدول ۱: توزیع فراوانی مطالب درسی به تفکیک موضوعات کلی

موضوع درسها	فراوانی	درصد
حقوق، قانون و مقررات اجتماعی	۱۱	۶/۴
سازوکارهای حمایت اجتماعی	۵	۲/۹
مسائل اقتصادی	۱۰	۵/۸
انواع شناخت، علوم انسانی و اجتماعی	۱۲	۷

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1396.33.3.4.1]

ایران شناسی	۲۱	۱۲/۲
نظام اجتماعی و آسیبهای آن	۲۲	۱۲/۸
فرهنگ، هویت و مسائل فرهنگی	۱۸	۱۰/۵
مسائل سیاسی	۱۳	۷/۶
اسلام‌شناسی	۹	۵/۲
شناخت ویژگی قاره‌های جهان	۹	۵/۲
غرب و مسائل فلسفی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی آن	۱۵	۸/۲
انقلاب اسلامی ایران	۷	۴/۱
جهانی شدن	۶	۳/۵
جریانهای مبارز و اصلاح‌گر پیش از انقلاب مشروطه	۴	۲/۳
سایر[1]	۱۰	۵/۸
جمع	۱۷۲	۱۰۰

تعقل‌گرایی

جدول شماره ۲ مؤلفه‌های تعقل‌گرایی و تفکر را در کتابهای درسی نشان می‌دهد. براساس نتایج حاصله در ۴۵/۸ درصد مطالب، عقل‌گرایی و تفکر مشاهده نشده است. در ۳۳/۱ درصد مطالب، فرآیندهای ذهنی تفکر در ارائه دروس کاربرد داشته و در واقع به صورت غیرمستقیم به این مؤلفه‌ها پرداخته شده است. در ۲۱درصد مطالب نیز شاخصهای عقل‌گرایی، ملاحظه شده؛ یعنی به طور مستقیم کاربرد داشته است. به این ترتیب در ۵۴/۲ درصد مطالب، به طور مستقیم و غیرمستقیم، تعقل و تفکر مورد توجه بوده است.

جدول ۲: توزیع فراوانی مطالب درسی به تفکیک تعقل‌گرایی

مقوله‌ها		فراوانی	درصد	درصد
اندیشه انتقادی (دعوت به نقد و شک در دوره جوانی)		۴	۲/۳	۲۱
دعوت به همفکری		۲	۱/۲	
دعوت به پرسش از عوامل بروز رویدادها و پدیده‌ها (چرایی)		۷	۴/۱	
دعوت به توصیف کردن		۱۹	۱۱	
سایر[2]		۴	۲/۴	
به کارگیری فرآیند ذهنی تعقل و تفکر در آموزش دروس	آثار و پیامد رویدادها	۲۱	۱۲/۱	۳۳/۱
	عوامل بروز رویدادها	۸	۴/۷	
	مقایسه و طبقه‌بندی	۱۰	۵/۸	
	ترکیبی از موارد پیشگفته	۱۸	۱۰/۵	
ندارد		۷۹	۴۵/۸	۴۵/۸
جمع		۱۷۲	۱۰۰	۱۰۰

۱. مقوله‌های سایر شامل حفاظت از محیط‌زیست، منابع آب و خاک، گردشگری، ارتباطات و رسانه‌ها، فلسطین، استعمار و امپریالیسم و استعمار نو و تسلط رسانه‌های غربی می‌شود.

۲. سایر، شامل شیوه‌های شناخت نامزدها در انتخابات، ویژگی شناخت عقلی و ارزش عقل در اسلام می‌شود.

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1396.33.3.4.1]

علم‌گرایی

جدول شماره ۳ میزان ارائه علم‌گرایی را در کتابهای مورد بررسی نشان می‌دهد. یافته‌ها نشان داده اند که به طور کلی در ۳۲ درصد مطالب، علم‌گرایی ارائه شده و در ۶۸ درصد ارائه نشده است. در ۲۲/۱ درصد مطالب، علم‌گرایی در ارائه مطالب دروس کاربرد داشته؛ یعنی به طور غیرمستقیم به آن پرداخته شده است. در ۹/۹ درصد مطالب نیز شاخصهای علم و دانش ملاحظه شده؛ یعنی به طور مستقیم به آن پرداخته شده است.

جدول ۳: توزیع فراوانی مطالب درسی به تفکیک علم‌گرایی

مقوله‌ها	فراوانی	درصد	درصد
کلیات مفهومی درباره علم، اهمیت و تأثیر آن	۴	۲/۳	۹/۹
بازدید و مشاهده علمی از مراکز علمی، پژوهشی و فرهنگی	۳	۱/۷	
دعوت به انجام مراحل تحقیق علمی، مشاهده، گردآوری اطلاعات	۲	۱/۲	
معرفی کلیات فعالیتها در علوم گوناگون	۶	۳/۵	
معرفی عالمان و دانشمندان ایرانی	۲	۱/۲	
به کارگیری مراحل شناخت علمی در ارائه دروس (بیان عوامل مؤثر بر بروز پدیده‌ها و پیامدهای آن)	۳۸	۲۲/۱	۲۲/۱
ندارد	۱۱۷	۶۸	۶۸
جمع	۱۷۲	۱۰۰	۱۰۰

سایر مؤلفه‌ها

جدول شماره ۴ میزان پرداختن به هر یک از مؤلفه‌های توسعه سیاسی را نشان می‌دهد. به جز کارجمعی، میزان پرداختن به سایر مؤلفه‌ها به ۱۰درصد هم نمی‌رسد. میزان ارائه و آموزش هر کدام از شاخصها در جدول زیر مندرج است.

جدول ۴: توزیع درصد کتابهای مورد بررسی به تفکیک میزان پرداختن به مؤلفه‌های توسعه سیاسی[1]

مؤلفه‌ها	ارائه شده است	ارائه نشده است	درصد
قانون‌گرایی	۹/۳	۹۰/۷	۱۰۰
کار جمعی	۱۱/۶	۸۸/۴	۱۰۰
مشورت و شورا	۲/۴	۹۷/۶	۱۰۰
شایسته‌سالاری	۱/۸	۹۸/۲	۱۰۰
آینده‌نگری و برنامه‌ریزی	۱/۸	۹۸/۲	۱۰۰
خردگرایی مثبت	۶/۴	۹۳/۶	۱۰۰
تساهل	۱/۸	۹۸/۲	۱۰۰

۱. تمام مؤلفه‌های توسعه سیاسی که ارائه و آموزش آن در کتابهای مورد بررسی چندان قابل توجه نبوده‌اند، در این جدول قرار گرفته‌اند.

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-25]
[DOR: 20.1001.1.10174133.1396.33.3.4.1]

دعوت به گفتگو	۴/۸	۹۵/۲	۱۰۰
مسئولیت‌پذیری	۸/۷	۹۱/۳	۱۰۰
تفاهم جمعی	۲/۴	۹۷/۶	۱۰۰
برابری	۴/۲	۹۵/۸	۱۰۰

تعقل‌گرایی به تفکیک کتابها

جدول شماره ۵ بحث از تعقل و تفکر را در هر یک از کتابهای مورد بررسی نشان می‌دهد. یافته‌ها نشان داده اند که دعوت به تفکر از ۳۷/۹ درصد در کتاب مطالعات اجتماعی سال هفتم به ۲/۷درصد در کتاب علوم اجتماعی پیش‌دانشگاهی کاهش یافته است. درحالی که کاربرد تعقل و تفکر در آموزش دروس از ۱۳/۸ درصد در کتاب سال هفتم به ۴۳/۲درصد در کتاب علوم اجتماعی پیش‌دانشگاهی افزایش داشته است. این یافته نشان می‌دهد که با افزایش سن دانش‌آموزان، ارائه فرآیندهای ذهنی و فکری، جنبه کاربردی پیدا کرده است. همچنین مقایسه یافته‌ها نشان می‌دهد که در کتاب جامعه‌شناسی۱، بیش از کتابهای دیگر و در کتاب جامعه‌شناسی۲، کمتر از کتابهای دیگر، شاخصهای تعقل و تفکر مطرح شده است.

جدول ۵. توزیع متقاطع مطالب درسی برحسب عقل‌گرایی و کتابهای مورد بررسی (درصد)

کتابها / مقوله‌ها		مطالعات اجتماعی سال هفتم	مطالعات اجتماعی سال هشتم	مطالعات اجتماعی اول نظری	جامعه‌شناسی ۱	جامعه‌شناسی ۲	علوم اجتماعی پیش‌دانشگاهی	کل
دعوت به تعقل، تفکر و اندیشه انتقادی		۳۷/۹	۳۷	۲۵	۲۶/۹	۰	۲/۷	۲۱
به کارگیری فرآیند تعقل و تفکر در آموزش دروس		۱۳/۸	۲۹/۶	۳۹/۳	۴۲/۳	۲۸	۴۳/۲	۳۳/۱
ندارد		۴۸/۳	۳۳/۳	۳۵/۷	۳۰/۸	۷۲	۵۴/۱	۴۵/۹
جمع	درصد	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
	فراوانی	۲۹	۲۷	۲۸	۲۶	۲۵	۳۷	۱۷۲

علم‌گرایی به تفکیک کتابها

جدول شماره ۶، علم‌گرایی و دانش را در هر یک از کتابهای مورد بررسی نشان می‌دهد. براین اساس مؤلفه‌های علم‌گرایی از ۲۴/۱ درصد در کتاب مطالعات اجتماعی سال هفتم به صفر درصد در کتاب علوم اجتماعی پیش‌دانشگاهی کاهش یافته است. در حالی که کاربرد روش علمی در ارائه دروس از ۱۰/۳ درصد در کتاب سال هفتم به ۳۵/۱ درصد در کتاب علوم اجتماعی پیش‌دانشگاهی افزایش یافته است. البته این سیر صعودی و نزولی، از روند یکسانی برخوردار نیست و درصدهای

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-25]
[DOR: 20.1001.1.10174133.1396.33.3.4.1]

میان این دو پایه تحصیلی، افزایش یا کاهش ناگهانی دارند. همچنین مقایسه یافته‌ها نشان می‌دهد، علم‌گرایی در کتاب جامعه‌شناسی۱ بیشتر از سایر کتابها و در کتاب جامعه‌شناسی۲ کمتر از سایر کتابها بوده است.

جدول ۶: توزیع متقاطع مطالب درسی برحسب علم‌گرایی و کتابهای مورد بررسی (درصد)

کتابها / مقوله‌ها		مطالعات اجتماعی سال هشتم	مطالعات اجتماعی سال هشتم	مطالعات اجتماعی اول نظری	جامعه‌شناسی ۱	جامعه‌شناسی ۲	علوم اجتماعی پیش‌دانشگاهی	کل
مؤلفه‌های علم‌گرایی		۲۴/۱	۱۱/۱	۰	۲۶/۹	۰	۰	۹/۹
کاربرد روش علمی در آموزش دروس		۱۰/۳	۱۴/۸	۳۲/۱	۱۹/۲	۱۶	۳۵/۱	۲۲/۱
ندارد		۶۵/۵	۷۴/۱	۶۷/۹	۵۳/۸	۸۴	۶۴/۹	۶۸
جمع	درصد	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
	فراوانی	۲۹	۲۷	۲۸	۲۶	۲۵	۳۷	۱۷۲

بحث و نتیجه‌گیری

تعاریف متعدد و ناهمگون از توسعه سیاسی، گویای چندوجهی و پیچیده بودن این مفهوم است و به همین دلیل درک کامل و صحیح آن، به سادگی میسر نیست. در این زمینه می‌توان با گنجاندن مؤلفه‌های آن در کتابهای درسی، نوجوانان را با این مفهوم پیچیده آشنا نمود. در نوشتار حاضر، مؤلفه‌های اجتماعی ـ فرهنگی توسعه سیاسی در کتابهای علوم اجتماعی دوره متوسطه بررسی شده‌اند. با توجه به سؤالات تحقیق، در ادامه یافته‌های پژوهش جمع بندی خواهند شد.

● در پاسخ به سؤال اول تحقیق یعنی موضوعات مورد تأکید در کتابها، یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند که بیشترین تعداد و درصد مطالب، به آموزش نظام اجتماعی اختصاص داشته که در بیشتر سالها نیز تکرار شده است. اتکای صرف به رویکرد سیستمی، ممکن است به ایجاد مطلق انگاری بینجامد و برای دانش‌آموز این تصور را به وجود آورد که تنها از این منظر می‌توان به فهم و شناخت واقعیتهای اجتماعی پرداخت. در حالی که معرفی و آموزش سایر رویکردها علاوه بر آشنایی با آرای مختلف به گسترش افق فکری دانش‌آموز کمک می‌کند و زمینه مقایسه آرا و اندیشه‌های گوناگون و بررسیهای تطبیقی را فراهم می‌آورد. «ایران‌شناسی»، «فرهنگ، هویت و مسائل فرهنگی» و «غرب و مسائل فلسفی، اجتماعی و سیاسی آن»، از دیگر موضوعات مورد تأکید در کتابهای مورد بررسی بوده است. ۶/۴ درصد از موضوع مطالب درسی نیز به «حقوق، قانون و مقررات اجتماعی» یعنی یکی از شاخصهای توسعه سیاسی، اختصاص داشته است. به این ترتیب با

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-25]
[DOR: 20.1001.1.10174133.1396.33.3.4.1]

معیار قراردادن موضوعات و سرفصلهای کلی، پرداختن به مؤلفه‌هایی که مستقیماً با توسعه سیاسی در ارتباط است، چندان قابل توجه نبوده است.

● در پاسخ به سؤال دوم تحقیق یعنی میزان پرداختن به شاخصهای توسعه سیاسی، نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد که نزدیک به نیمی از مطالب کتابهای مورد بررسی (۴۵/۸درصد) به طور کلی با تعقل، تفکر و اندیشه ارتباط داشته‌است که البته در ۲۱درصد از این میزان، به طور مستقیم به این مطلب پرداخته شده است؛ یعنی در این مطالب بر اهمیت اندیشه و تعقل تأکید شده و دانش‌آموزان به کاربرد اندیشه انتقادی، دعوت شده‌اند. ولی میزان پرداختن به اندیشه انتقادی، بسیار ناچیز (۲/۳درصد) بوده است. در ۳۳/۱ درصد از مطالب نیز به طور غیرمستقیم به تفکر پرداخته شده؛ یعنی فرآیند ذهنی تعقل، در ارائه دروس به کار رفته است. به لحاظ علم‌گرایی نیز تقریباً در ۱۰درصد مطالب بر شناخت علمی و اهمیت و تأثیر آن تأکید شده و در زمینهٔ نوع فعالیتها در علوم گوناگون بحثهایی صورت گرفته است. تقریباً در ۲۲ درصد مطالب نیز، مراحل شناخت علمی در ارائه دروس رعایت شده است. براین اساس، تقریباً در یک سوم مطالب، به طور مستقیم و غیرمستقیم، مؤلفه‌های علم‌گرایی مورد توجه بوده است.

در مجموع، پرداختن به مؤلفه‌های تعقل، تفکر و علم‌گرایی و روش علمی به طور کلی، قابل توجه بوده است، گرچه از کتابهای درسی که متون علمی ـ آموزشی هستند، انتظار بیشتری می‌رود. در ضمن، به مهم‌ترین مؤلفه تعقل، یعنی تفکر انتقادی بسیار کم توجه شده است. در مقایسه با پژوهشهای پیشین و با در نظر گرفتن مؤلفه‌های کلی و جنبه‌های غیرمستقیم تعقل و علم‌گرایی و نیز بخش «فعالیت» در این کتابها، وضعیت کتابهای درسی نسبت به گذشته، بهبود یافته است، ولی در زمینهٔ مؤلفه‌های اصلی، همچنان نواقصی دارند. این یافته‌ها با نتایج تحقیقات قبلی نیز همخوانی دارند، مثلاً گل‌محمدی (۱۳۷۹) در پژوهش خود به این نتیجه رسید که محتوا و مفاهیم موجود در کتابهای دوره راهنمایی تحصیلی، به پرورش مهارتهای تفکر خلاق و انتقادی میان دانش آموزان نمی‌پردازد. همچنین نتیجه پژوهش علیپور و همکاران (۱۳۸۸) بیانگر آن است که پرورش تفکر انتقادی در دوره متوسطه با موانعی مانند کم توجهی به مهارت تجزیه و تحلیل، ترکیب، ارزشیابی و قضاوت و جمع‌بندی روبه‌روست.

به جز تعقل و علم‌گرایی، میزان پرداختن به سایر شاخصهای توسعه سیاسی قابل توجه نبوده است:

ـ از نظر قانون‌گرایی، تقریباً ۱۰درصد مطالب درسی با این موضوع در ارتباط بوده اند.

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1396.33.3.4.1]

ـ میزان پرداختن به کار و فعالیت جمعی، تقریباً در ۱۲درصد مطالب مشاهده شده است.

ـ میزان پرداختن به شورا و مشورت تقریباً ۲/۵ درصد، شایسته‌سالاری ۲ درصد، آینده‌نگری و برنامه‌ریزی ۲ درصد، فردگرایی مثبت ۶/۵ درصد، تساهل ۲ درصد، دعوت به گفتگو ۵ درصد، مسئولیت‌پذیری ۹ درصد، تفاهم جمعی ۲/۵ درصد و برابری ۱۴/۵ درصد بوده است.

● در پاسخ به سؤال سوم، نتایج به دست آمده به تفکیک کتابهای درسی نیز نشان می‌دهد مؤلفه‌های تعقل و تفکر و همچنین علم‌گرایی از کتاب پایه هفتم تا کتاب علوم اجتماعی پیش‌دانشگاهی، سیر نزولی داشته است، ولی کاربرد این مؤلفه‌ها در ارائه دروس، رو به افزایش بوده است. در میان کتابها نیز کتاب جامعه‌شناسی۱ بیشتر و کتاب جامعه‌شناسی۲ کمتر از سایر کتابها، مؤلفه‌های تعقل و تفکر را در خود داشته‌اند. همچنین مؤلفه‌های قانون‌گرایی، کارجمعی، فردگرایی مثبت، دعوت به گفتگو، مسئولیت‌پذیری و برابری عمدتاً در کتابهای پایه‌های هفتم، هشتم و اول نظری ارائه شده‌اند و کتابهای جامعه‌شناسی۱، جامعه‌شناسی۲ و علوم اجتماعی پیش‌دانشگاهی، از این نظر بسیار فقیر بوده‌اند.

در این بخش نیز یافته‌های پژوهش، مؤید یافته‌های پیشین است. طالب‌زاده و همکاران (۱۳۹۱) در بررسی کتابهای علوم اجتماعی دوره متوسطه به این نتیجه رسیده‌اند که شاخصهای مسئولیت‌پذیری و توانایی گفتگو و دیالوگ در این کتابها چندان مورد توجه نبوده‌اند. یافته‌های پژوهش غفاری و همکاران (۱۳۹۲) نیز گویای این است که در کتابهای دوره راهنمایی به مؤلفه عدالت و برابری بسیار کم پرداخته شده است. همچنین حکیم‌زاده، کیامنش و عطاران (۱۳۸۶) به این نتیجه رسیده اند که در کتابهای دوره راهنمایی به آن اندازه که به معرفی ارکان حکومت و نقش آنها و اهمیت توجه به قانون و سازمانهای دولتی توجه شده، به حقوق مردم بر حکومت، سازمانهای غیردولتی و ایجاد روحیه پرسش‌گری توجه نشده است.

در جمع‌بندی کلی از یافته‌های پژوهش می‌توان گفت که از میان متغیرهای مرتبط با توسعه سیاسی، تنها بر تعقل و علم‌گرایی و به طور کلی دانش، تأکید شده است، ولی ارائه و آموزش سایر متغیرهای مرتبط با توسعه سیاسی در کتابهای علوم اجتماعی، بسیار کم و ناچیز بوده است. از آنجا که تاکنون از منظر توسعه سیاسی به بررسی کتابهای علوم اجتماعی پرداخته نشده، ممکن است برای برخی آموزش این مفاهیم در کتابهای درسی غیرضروری تلقی شود یا حتی مفهومی غیربومی به نظر برسد. در حالی که با نگاهی دوباره به هر یک از مؤلفه‌ها در می‌یابیم که در فرهنگ ایرانی ـ اسلامی، هر کدام از مضامین پیش‌گفته، مورد تقدیر و ستایش بوده‌اند و بزرگان و اندیشمندان،

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1396.33.3.4.1]

همواره ما را بر کاربرد و تمسک به آنها دعوت کرده‌اند. به بیان دیگر، ممکن است آموزش مؤلفه‌های توسعه سیاسی به عنوان مفهومی که در چند دهه اخیر وارد ادبیات اجتماعی ـ سیاسی ما شده و وارداتی است، توجه بسیاری را به خود جلب نکند و اهمیت لازم را نزد گروههایی از مردم نداشته باشد. ولی صرفنظر از مفهوم «توسعه سیاسی»، آیا می‌توان از ارائه و آموزش این مفاهیم که ذیل عنوان توسعه سیاسی قرار می‌گیرند، صرفنظر کرد؟

تعقل، علم و دانش، قانون‌گرایی، برابری و عدالت، تساهل، تفاهم، گفتگو، شایسته‌سالاری، مسئولیت‌پذیری، آینده‌نگری و غیره، هر کدام به تنهایی و بدون ارتباط و وابستگی‌شان به مبحث توسعه سیاسی، ارزشمند و شایسته طرح، آموزش و عملیاتی شدن در جامعه است. در واقع برای جامعه‌ای که نمی‌خواهد در روابط و مناسبات غیرانسانی حل شود و خواهان فرهنگی پویا و اثرگذار است، چاره‌ای جز پرداختن به این مقولات نیست. حال این مؤلفه‌ها توسعه سیاسی نام گیرند یا هر مفهوم دیگری که به آن اطلاق شود.

پیشنهادها

- در اسناد بالادستی نظام جمهوری اسلامی ایران مانند سند چشم‌انداز و سند تحول بنیادین آموزش و پرورش که ترسیم‌کننده سیاستهای کلان و راهبردی است، بخشهای بسیاری با شاخصهای توسعه سیاسی ارتباط مستقیم و غیرمستقیم دارند. واضح است که در بازنگری و اصلاح کتابهای درسی، استناد به این اسناد و همگامی کامل با آن، نقشی بسیار مهم در فراهم ساختن زمینهٔ فرهنگی و فکری لازم به منظور دستیابی به جامعه توسعه یافته دارد.
- با اینکه پرداختن به شاخصهای تعقل و تفکر و علم‌گرایی نسبت به گذشته بهبود یافته، ولی آموزش آن به طور مستقیم چندان قابل توجه نبوده است و جا دارد در کتابهایی که آموزش علوم را مدنظر قرار داده‌اند، بیشتر به طور مستقیم به آن پرداخته شود.
- علاوه بر رویکرد سیستمی، آموزش رویکردهای دیگر در علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی، به ویژه از سال دوم نظری به بعد، در کتابها گنجانده شود تا زمینه‌های گسترش افق فکری دانش‌آموزان را فراهم سازد.
- مطالب درسی با تحقق یافتن اهداف مورد نظر در تهیه کتابهای علوم اجتماعی، به ویژه در زمینه آموزش قانون‌گرایی، برابری، مهارتهای فرآیند تفکر، تساهل و روحیه انتقادپذیری، فاصله زیادی دارند. پیشنهاد می‌شود این اهداف هم به طور مستقیم در سرفصل دروس

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-25]
[DOR: 20.1001.1.10174133.1396.33.3.4.1]

گنجانده شود و هم به طور غیرمستقیم ضمن درسها و با ذکر مثالها و مصادیق گوناگون، تشریح شود.

- شورا و مشورت نص صریح قرآن مجید است و رسول اکرم (ص) نیز بسیار به آن پایبند بوده‌اند. در جامعه‌ای که افتخار تبعیت از کتاب و رسول خدا را دارد، شایسته است که آموزه‌های این دو منبع ارزشمند سرلوحه آموزش به کودکان و نوجوانان قرار گیرد.
- در میان مؤلفه‌های توسعه سیاسی، تفکر انتقادی و به تعبیر کلی‌تر مهارتهای فرآیند تفکر، از همه شاخص‌تر است و مختص به مباحث توسعه سیاسی ـ اجتماعی نیست، بلکه ویژگی منحصر به فرد انسان است. در علوم اجتماعی و سیاسی، داشتن حافظه قوی با اینکه ارزش خود را دارد، ولی کارساز نیست و عالم و سیاستمدار و جامعه‌شناس بیش از هر چیز به ذهن نقاد و تحلیل‌گر نیاز دارند. لذا لازم است آموزش شیوه‌های تفکر، تحلیل، نقد، مقایسه و طبقه‌بندی در کتابهای علوم اجتماعی گنجانده شود و بیش از پیش مورد توجه قرار گیرد.
- کتاب جامعه‌شناسی۲ بیش از سایر کتابها نیاز به تجدید نظر دارد. در این کتاب، مؤلفه‌های توسعه سیاسی، کمتر از سایر کتابها انعکاس یافته است.
- ارائه مصادیق عینی و الگوهای عملی، آموزش هر مفهوم را تعمیق می‌بخشد و گسترش می‌دهد. در این زمینه می‌توان هم در مقطع راهنمایی و هم دبیرستان، تجارب کشورهای دیگر را در کاربست مفاهیم و مؤلفه‌های توسعه، مدنظر قرار دارد؛ به ویژه تجارب کشورهایی که تقارب فرهنگی بیشتری با ما دارند.

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1396.33.3.4.1]

منابع

افهمی، بنفشه. (۱۳۸۴). بررسی مضامین و آموزه‌های سیاسی در کتابهای درسی دوره ابتدایی. *پژوهشهای تربیت اسلامی*، (۲)، ۷-۲۸.

امین‌زاده، محسن. (۱۳۷۶). توسعه سیاسی. *اطلاعات سیاسی ـ اقتصادی*، (۱۱۸-۱۱۷)، ۱۰۴-۱۱۷.

باردن، لورنس. (۱۳۷۵). *تحلیل محتوا*، (ترجمه ملیحه آشتیانی و محمد یمینی دوزی سرخابی). تهران: دانشگاه شهید بهشتی.

بدیعی، نعیم. (۱۳۷۵). تجزیه و تحلیل محتوا: نحوه محاسبه ضریب قابلیت اعتماد. *تحقیق در علوم انسانی*، ۱ (۱)، ۲۵-۳۱.

بهشتی، سیدصمد. (۱۳۸۶). شاخصهای شهروندی در کتب علوم اجتماعی دوره متوسطه نظری. *رشد آموزش علوم اجتماعی*، ۱۰ (۳۵)، ۵۲-۵۷.

تاجیک اسمعیلی، عزیزاله. (۱۳۸۹). آموزش و پرورش، جامعه مدنی، حقوق و تربیت شهروندی. *آیین*، (۳۳-۳۲)، ۱۴-۱۶.

توحیدفام، محمد. (۱۳۸۲). تنگناهای توسعه سیاسی به مثابه تهدیدی علیه امنیت ملی. *راهبرد*، (۲۹)، ۱۵۱-۱۶۶.

حکیم‌زاده، رضوان؛ کیامنش، علیرضا و عطاران، محمد. (۱۳۸۶). تحلیل محتوای کتابهای درسی دوره راهنمایی با توجه به مسائل و مباحث روز جهانی در حوزه برنامه‌های درسی. *مطالعات برنامه درسی*، (۵)، ۲۷-۵۴.

سریع‌القلم، محمود. (۱۳۷۲). *عقل و توسعه یافتگی*. تهران: نشر سفیر

سند تحول بنیادین آموزش و پرورش. (۱۳۹۰). تهران: شورای عالی انقلاب فرهنگی. قابل دسترسی در:
www.medu.ir/portal/fileloader

سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی. (۱۳۸۲). تهران: مجمع تشخیص مصلحت. قابل دسترسی در: farsi.khamehei.ir/message-content

شرفی، محمدرضا و طاهرپور، محمدشریف. (۱۳۸۷). نقش نهاد آموزشی در تربیت شهروندی. *ماهنامه مهندسی فرهنگی*، ۲ (۱۶-۱۵)، ۴۹-۶۲.

طالب‌زاده نوبریان، محسن؛ ابوالقاسمی، محمود و جمالی تازه‌کند، محمد. (۱۳۹۱). نقش برنامه‌های درسی علوم اجتماعی در پژوهش مهارتهای شهروندی. *راهبردهای آموزش در علوم پزشکی*، ۵ (۳)، ۱۶۳-۱۶۹.

عضدانلو، حمید. (۱۳۸۵). موانع توسعه عقلی و آثار آن بر توسعه اقتصادی و سیاسی. *اطلاعات سیاسی ـ اقتصادی*، ۲۰(۱۰-۹)، ۴۸-۶۱.

علیپور، وحیده؛ سیف نراقی، مریم؛ نادری، عزت‌اله و شریعتمداری، علی. (۱۳۸۸). موانع تفکر انتقادی در برنامه درسی آموزش متوسطه (با تأکید بر مهارت‌های تجزیه و تحلیل، ترکیب، ارزشیابی و قضاوت). *علوم تربیتی*، ۲ (۷)، ۱۷۷-۲۰۱.

غفاری، محمد؛ فرضی، فرزانه و بابایی، الهام. (۱۳۹۲). تحلیل محتوای کتاب درسی تعلیمات اجتماعی سال اول و دوم دوره راهنمایی بر مبنای مؤلفه‌های تربیت شهروندی. *فصلنامه مهندسی فرهنگی*، ۸ (۷۸)، ۷۴-۹۰.

فتحی واجارگاه، کوروش. (۱۳۸۱). برنامه‌های درسی تربیت شهروندی، اولویتی پنهان برای نظام آموزش و پرورش. *مجله دانشگاه اصفهان*، ۱۴ (۲)، ۱۸۱-۲۰۶.

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1396.33.3.4.1]

فرقانی، محمدمهدی. (۱۳۸۲). *راه دراز گذار: بررسی تحول گفتمان توسعه سیاسی در ایران*. تهران: فرهنگ و اندیشه.

فرنیا، محمدعلی و پوررضا، صدیقه. (۱۳۸۸). بررسی کمی و کیفی محتوای کتاب جامعه‌شناسی دوره متوسطه براساس دیدگاه اجتماعی در برنامه ریزی. *علوم تربیتی*، ۲(۶)، ۱۵۳-۱۷۴.

گل‌محمدی، عباس. (۱۳۷۹). *بررسی تناسب محتوای کتاب‌های تعلیمات اجتماعی دوره راهنمایی با پرورش مهارت‌های تفکر خلاق و انتقادی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته برنامه‌ریزی درسی، دانشگاه تربیت معلم تهران.

معمارزاده، غلامرضا و پاک‌طینت، اقبال. (۱۳۸۵). عوامل مؤثر بر توسعه سیاسی. *کنترولر*، ۴۱ (۲۱)، ۱-۲۵،

نوابخش، مهرداد. (۱۳۸۵). بررسی مفهوم شهر و شهروندی از دیدگاه جامعه‌شناسی. *فصلنامه تخصصی جامعه‌شناسی*، دانشگاه آزاد آشتیان، ۲ (۱)، ۱۱-۲۹.

ویمر، راجر دی. و دومینیک، جوزف آر. (۱۳۸۴). *تحقیق در رسانه‌های جمعی*، (ترجمه کاووس سیدامامی). تهران: سروش و مرکز تحقیقات صدا و سیما.

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1396.33.3.4.1]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1396.33.3.4.1]
[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-25]